

مروری بر پیشینه و تاریخ ایران از آغاز تا دوران قاجار

ایران کشوری ریشه‌دار و کهن است. مردم ایران دارای ۷۰۰۰ سال تاریخ و تمدن درخشان هستند. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران را می‌توان به دو دوره پیش از اسلام و بعد از اسلام تقسیم کرد. دوره پیش از اسلام نیز به دوران قبل از آریایی‌ها و بعد از آریایی‌ها تقسیم می‌شود.

ایران پیش از اسلام

از بررسی آثاری که تاکنون توسط باستان‌شناسان کشف شده‌اند، معلوم می‌شود، سفال و سفال‌های لعاب‌دار و ساخت چرخ سفالگری (در هزاره‌های ششم تا چهارم پیش از میلاد) توسط ساکنان فلات ایران (قبل از ورود آریایی‌ها) اختراع شده است. همچنین، ساخت ازابه‌های چهارچرخ^۱، پرورش اسب و معماری طاق‌های هلالی گنبد شکل، از ابداعات ایرانیان بوده است که توسط ایلامی‌ها به سومر و از آنجا به دیگر نقاط جهان کهن رفته و رواج یافته است. در این میان می‌توان از مکان‌های مهم باستانی نظیر شهر سوخته (در سیستان)، تپه سیلک^۲ (در کاشان) و تپه مارلیک (در گیلان) نام برد. همچنین ایرانیان در پیدایش خط به عنوان یکی از مراحل مهم تمدن‌سازی و تولید میراث معنوی جهان از قبیل اندیشه‌های دینی، فلسفی، علم اعداد، نجوم و ریاضی سهم چشمگیری داشته‌اند. سرچشمه بسیاری از امور فرهنگی از فلات ایران آغاز شده است. در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، آریایی‌ها به فلات ایران^۳ مهاجرت کردند. آنها سرزمینی را که در آن وارد شده بودند ایران یعنی سرزمین آریایی‌ها نامیدند.

۱. برای اطلاع بیشتر، ن. ک: گیرشمن، *ایران از آغاز تا اسلام*، صص ۱۳، ۱۸، ۳۱، ۳۸ و ۶۸

2. sialk

۳. کلمه ایران دست کم در حدود قرن سوم قبل از میلاد در منابع یونانی آمده است. شکل یونانی ایران ariane است.

اقوام آریایی^۱ شامل مادها، پارس‌ها و پارت‌ها بود که در غرب، جنوب و شمال شرقی فلات ایران ساکن شدند. اقوام ایرانی پس از استقرار و تثبیت موقعیت و مرزهای جغرافیایی خود، برای رفع نیازهای متقابل خویشتن با یکدیگر روابط مسالمت‌آمیزی داشتند و در هم‌گرایی عمومی به سر می‌بردند.

پس از مدتی، زردشت که پیامبر ایران باستان است در میان ایرانیان ظهور کرد. او مردم را به پیروی از خدای یگانه که اهورامزدا نام داشت، دعوت کرد و مروج اندیشه، گفتار و کردار نیک بود. اعتقاد به سرای آخرت و جهان پس از مرگ، عقیده به آخرالزمان و ظهور یک منجی که حکومتی با عدل و داد و به‌دوراز ناپاکی و ستم برپا خواهد کرد، از بنیان‌های استوار و اعتقادی ایرانیان بوده است که آن‌ها را از سایر ملل دوران باستان متمایز می‌ساخت.^۲



آثار یافت‌شده در شهر سوخته

قدر مسلم ایرانیان پیش از اسلام همچون اعراب دوران جاهلیت بت پرست نبودند، همانند یونانیان، رب‌النوع‌های متعدد را نمی‌پرستیدند و یا همچون هندوها گاوپرست نبودند. فرمانروایان سلسله‌های ایران باستان، به رغم همه خصلت‌های نیک و بد که تاریخ درباره آنها ثبت کرده است، هیچ‌گاه همچون فراعنه مصر باستان ادعای خدایی نمی‌کردند؛ زیرا ایرانیان مردمانی حق‌جو و یکتاپرست بودند.^۳

۱. آریا ایریا یا آرین Aryan در اوستا که کهن‌ترین متون پارسی به‌جا مانده است. خاستگاه ایرانیان «ایرینام ویجو» Airyanemvaejo آمده که در زبان پهلوی «ایران ویج» Eranvej می‌باشد که مرکب از دو واژه «ایران» و «ویج» به معنی تخمه و نژاد ایرانی و هنگامی که مکانی به این نام نامیده می‌شود به منزله جایگاه ایرانیان است. (ن.ک: بورد اوود، یشت‌ها، آبان یشت، بندهای ۱۷ و ۱۰۴)
۲. برای اطلاع بیشتر ن.ک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۳۷۹.
۳. ن.ک: معین، مزدیسنا و تأثیر آن در ادبیات فارسی، ص ۴۱. برای اطلاع بیشتر، ن.ک: عرفان منش، حیات معنوی ایرانیان، صص ۱۸-۳۰.

بیشتر بدانید

خصلت‌های اخلاقی ایرانیان

از سجایای اخلاقی ایرانیان که در گزارش‌های مورخان ثبت شده می‌توان به شجاعت، پاکدامنی، راستگویی، اعتدال، نجابت و پوشش زنان و مردان اشاره کرد. آثار برجای مانده نشان می‌دهند که زنان ایرانی در زمان مادها و پس از آن پوشش کاملی داشتند که شامل پیراهن بلند چین‌دار، شلوار، چادر و شنلی روی لباس‌ها بود. این پوشش در زمان هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان نیز معمول بود. در منابع یونانی آمده است که زنان پارسی، ساده (بدون آرایش) و با لباسی کاملاً پوشیده ظاهر می‌شدند و نجابت مردان پارسی نیز دست کمی از زنان نداشته است. آنان برهنه بودن و یا بازگذاشتن هر یک از قسمت‌های بدن (مانند آستین دست) را شرم‌آور و خلاف ادب می‌شمردند و به همین جهت سرتاپای ایشان با سریند (کلاه) و پاپوش پوشیده بود.^۱

به گفته شهاب‌الدین سهروردی، در گذشته به سال ۵۸۷ ق، در ایران باستان امتی زندگی می‌کردند که بین آنها پهلوانان و جوانمردانی یگانه پرست بودند که مشمول آیه «خداوند ولی کسانی است که ایمان آوردند، و ایشان را از ظلمات به سوی نور هدایت می‌کند»^۲ شدند و به مرحله ای از شهود نور الهی رسیدند^۳. توجه سهروردی به حکمت ایرانیان، یادآور حدیث نبوی است که فرمود: اگر علم در ثریا هم باشد، مردانی از فارس به آن دست می‌یابند.^۴

سلسله هخامنشیان با فرمانروایی کوروش بزرگ آغاز شد. او توانست با متحد کردن اقوام پارس و ماد حکومتی را پایه‌گذاری کند که گستره قلمرو آن شامل تمدن‌های کهن به جز بخشی از قلمرو یونان باستان بود.^۵ کوروش به دلیل خداپرستی، عدالت خواهی و خردمندی‌اش، شهرت جهانی

۱. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۱۳، مطهری، مسئله حجاب در اسلام (مجموعه آثار) ج ۴۸، صص ۲۵ و ۶۳؛ محمدی آشتیانی، حجاب در ادیان الهی، صص ۹۵ و ۹۶؛ هرتسفلد، تاریخ باستانی ایران، ص ۱۴۱؛ راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱، صص ۵۱۸-۵۲۰؛ شهشهانی، تاریخچه پوشش سر در ایران، ص ۴۰؛ تالیوت رایس، هنرهای باستانی آسیای مرکزی تا دوره اسلامی، ص ۴۵؛ دهخدا، امثال و حکم، ج ۳، صص ۱۵۴۹-۱۵۵۷؛ ذکاء، داستان پوشش زن در ایران، ص ۲.

۲. الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و... (سوره بقره، آیه ۲۵۷).

۳. سهروردی، مجموعه تصنیفات شیخ اشراق، صص ۵۰۲ و ۵۰۳.

۴. «لَوْ تَعَلَّقَ الْعِلْمُ بِأَكْتافِ أَسْمَاءَ لَنَالَهُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ فَارِسٍ»؛ مجلسی، بحار الانوار (ج ۱۶)، ص ۳۱۰؛ همچنین ن. ک: مستوفی،

زنده/قلوب، ص ۱۱۳؛ سبیتی، سلمان فارسی، ص ۴۰.

۵. بار تولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ص ۲۰۵.



تخت جمشید و طرح خیالی آن

یافته است.^۱ برخی معتقدند، «ذوالقرنین» که در قرآن مجید^۲ به عنوان فرمانروایی نیک سیرت ستوده شده، همان کوروش پادشاه ایران است.^۳ با اینکه مؤسس دولت مقتدر هخامنشیان از سرزمین پارس

۱. برخی از مورخان بیانیه کوروش در استوانه گلی را که با خط بابلی نوشته شده است، به عنوان اولین منشور جهانی حقوق بشر معرفی کرده‌اند. ن. ک: زرین کوب، روزگاران، ص ۵۴.

۲. سوره کهف، آیات ۸۳-۹۸.

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۶۶۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۵۴۹. برای اطلاع بیشتر ن. ک: عرفان منش،

تحقیقی علمی درباره پیشینه و کیستی ذوالقرنین، صص ۲۹۹-۳۵۵.

برخاست اما نام قوم و سرزمین خود را برای قلمرو تحت حاکمیت خود انتخاب نکرد^۱. باید دانسته شود که در کتیبه‌های داریوش کلمه آریا به سکنة ایران اطلاق می‌شد. پارس در کتیبه‌های هخامنشی به صورت پارسه^۲ در یونانی پرسیس^۳ که مُعَرَّب آن فارس می‌باشد آمده است. اما یونانیان پرسیس را که تنها نام ایالت فارس است بر تمام ایران اطلاق می‌کردند^۴. هخامنشیان برای کنترل قلمرو گسترده خود، چند پایتخت تأسیس کردند. یکی از آنها در شوش بود و به عنوان پایتخت زمستانه و دیگری در هگمتانه (همدان) که پایتخت تابستانه به شمار می‌رفت. اما مهم‌ترین و معروف‌ترین پایتخت هخامنشیان تخت جمشید است که پایتخت بهاری به حساب می‌آمد. بنای عظیم تخت جمشید نماد شکوه و عظمت تمدن ایرانی و توانایی مردم ایران باستان است.

هجوم اسکندر به ایران

فلات ایران از دیرباز به دلیل دارا بودن موقعیت حساس و مهم، مورد هجوم بیگانگان بوده است؛ به طوری که هریک از آنها آرزوی استیلا بر این سرزمین را داشته‌اند. حمله اسکندر و هجوم فرهنگ یونانی به ایران، از نخستین بحران‌های هویتی تاریخ کشور ما بود^۵. این واقعه خرابی‌های جبران‌ناپذیری برجای گذاشت. اسکندر مقدونی شهرهای بسیاری را ویران و بسیاری از آثار فرهنگ و تمدن ایران را نابود کرد^۶، اما در مقابل آنچه که ویران کرد، تمدنی به ارمغان نیاورد. اگرچه مقاومت ایرانیان و نبرد دلیرانه آریوبرزن^۷، سردار شجاع ایرانی، با سپاه اسکندر نتوانست، مانع هجوم لشکریان اسکندر به ایران شود، اما ایرانیان به تدریج با مقاومت فرهنگی توانستند این بحران را از سر بگذرانند و بر آن غلبه کنند. پس از حاکمیت سلوکیان (جانشینان اسکندر) بر ایران، استقرار سلسله پارتیان، بار دیگر آغاز حاکمیت ایرانیان را نوید داد. پارتیان، یکی دیگر از اقوام آریایی، به تدریج سلوکیان را از ایران بیرون راندند.

۱. اقوام ایرانی برخلاف برخی از اقوام اروپایی که نام خود را به روی سرزمین خود گذاشتند، مانند انگل‌ها در انگلستان و یا فرانک‌ها در فرانسه نام یک قوم را بر روی تمامیت سرزمینی که اقوام دیگر در آن ساکن بودند نگذاشتند و در فرایند ملت‌سازی اقوام ایرانی با هم مشارکت داشتند.

2. pirsā

3. Persis

۴. ن. ک: اعتمادالسلطنه، *تطبیق جغرافیای قدیم و جدید ایران*، ص ۸۸.

۵. برای اطلاع بیشتر ن. ک: ولایتی، *بحران‌های تاریخی هویت ایرانی*، صص ۱۹-۲۰.

۶. ن. ک: اصفهانی، *تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیا*، صص ۴۰-۴۳؛ ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۴۳۶؛ ابن خلدون، *مقدمه*، ج ۲، ص ۱۰۰۲؛

این مسکویه، *تجارب‌الامم*، ج ۱، صص ۴۸-۴۰.

۷. این نبرد در منطقه دربند پارس در سال ۳۳۶ قبل از میلاد روی داد.

بیشتر بدانید

در متون کهن و روایات حماسی، ایرانیان دارای هویتی متمایز و میراثی مشترک هستند که قابل انتقال به غیر نیست و آنان را از سایر ملل همجوار متمایز می‌سازد. تا آنجا که سرزمین‌هایی را که ایرانیان گشودند هرگز «ایران» نام نگرفت. بلکه همواره «انیران» یعنی غیر ایرانی باقی ماندند.^۱ در تاریخ واقعی مردم ایران نشانه‌هایی از مهرورزی آنها نسبت به سایر ملل و غیر ایرانی یافت می‌شود که بیانگر روح بزرگ و میهمان‌نوازی ایرانیان است. با این وصف، ایرانیان نسبت به دشمنان خود از حساسیت و غیرت ملی برخوردارند. در روایات حماسی دشمن ایرانیان ستایش نمی‌شود و تجاوزکنندگان به مرز و بوم و آیین ایران همواره به بدی و زشتکاری یاد شده‌اند.^۲

نکته‌ای جالب از ویژگی‌های مردم ایران زمین این است که به رغم شکست از یونانیان، فرهنگ مهاجم را در خود ذوب کردند. ایران پس از فروپاشی سلوکیان، ایران باقی ماند، اما یونان مضمحل و امپراتوری روم جایگزین آن شد. با وجود این، ایرانیان بعدها شکست‌های سختی بر امپراتوری روم وارد کردند. «نبرد حران» به فرماندهی سورنای جوان، یکی از مشهورترین آنهاست.

در اواخر حکومت پارتیان، اختلاف و بی‌نظمی کشور را فرا گرفته بود.^۳ قیام اردشیر بابکان، بنیان‌گذار حکومت ساسانیان، به این وضع پایان داد. او حکومت مقتدر مرکزی را جایگزین حکومت ملوک الطوائفی کرد که موجب آشفتگی ایران شده بود. یکی دیگر از اقدامات او، رسمیت بخشیدن به دین زردشتی بود.

۱. ن. ک: بلعمی، تاریخ بلعمی، ج ۲، ص ۸۱؛ فردوسی، شاهنامه، ص ۲۶۹۶، به نقل از یار شاطر، تاریخ روایی ایران، مندرج در تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ج ۳، قسمت اول، ص ۵۲۱.

۲. به‌عنوان مثال اسکندر در متون کهن ایرانی فردی اهریمن صفت، ستمکار، ملعون، گجستک و بدکار، دشمن ایرانشهر و ویرانگر معرفی می‌شود. (مینوگ خرد، فصل ۸، بندهای ۲۹ و ۳۰؛ نامه تنسر به گئسنسب، ص ۸۷؛ شهرستان‌های ایران، بند ۴ و ۵؛ ارداویراف‌نامه، فرگرد اول، بند ۷۱) تصویری که بیشتر مورخان دوران اسلامی از اسکندر ارائه می‌دهند برگرفته از زندگانی واقعی اسکندر مقدونی نیست؛ بلکه با تصرف و نسب‌سازی و اختلاط تاریخ و افسانه همراه است. اسکندر زمانی ستوده می‌شود که شناسنامه ایرانی می‌گیرد تا چنین وانمود شود که اگر او توانست ایران را فتح کند و بر آن حکم فرماید کند به این علت بود که پدری ایرانی داشت تا بدین وسیله با حفظ غرور و عزت ملی از محنت شکست ایران توسط یونانیان بکاهدند. از این رو اسکندر تبدیل به یک قهرمان ملی می‌شود و زمانی شایسته ستایش و تقدیس قرار می‌گیرد که به باور آنان او ذوالقرنین ستوده شده در قرآن مجید است. و هرگاه از اسکندر به بدی یاد می‌شود او نه ایرانی است و نه ذوالقرنین است. (ن. ک: دینوری، اخبار الطوال، صص ۵۳ و ۵۴)؛ جهت اطلاع بیشتر ن. ک: عرفان منش، کوروش ذوالقرنین و بازایی هویت ملی، ص ۳۵۱.

۳. بیرنیا، تاریخ ایران باستان، ج ۳، صص ۲۵۱۷ و ۲۵۲۸.

اقتدار ایران در دوران ساسانی، فقط تا پایان حکومت خسرو انوشیروان دوام یافت و پس از آن، اوضاع ایران رو به آشفتگی و ضعف گذاشت. جنگ‌های بی‌دری میان ایران و روم، هر دو کشور را رو به زوال برد. علاوه بر آن، وجود نظام غیرعادلانه طبقاتی، ظلم و ستم، انحراف از تعالیم اولیه دین زردشت، فساد، قدرت‌طلبی، رقابت و توطئه‌های دائمی میان اشراف و درباریان، موجبات تضعیف و سقوط پادشاهی ساسانیان را فراهم آورد.^۱ در چنین شرایطی، ظهور آیین اسلام، سرآغاز دوره‌ای تازه برای مردم ایران شد.



قلمرو ساسانیان

۱. کریستین سن، *ایران در زمان ساسانیان*، صص ۶۴۵-۶۵۰؛ بویل، *تاریخ ایران*، ج سوم، قسمت اول، صص ۲۶۲، ۲۶۱، ۲۶۷.

بیشتر بدانید

ایرانیان مردمانی حق جو و عدالت خواه بودند. گروهی از آنها همان طور که در آستانهٔ میلاد حضرت مسیح (ع) در انتظار ظهور آن حضرت بودند و به بیت لحم رفتند تا او را بیابند و از وی پیروی کنند،^۱ در آستانهٔ ظهور پیامبر اسلام (ص) نیز در انتظار یک منجی بودند.^۲ در متون پارسی زردشتی، پیشگویی‌هایی گزارش شده است که نوید ظهور پیامبر اسلام را می‌دهد. زندگانی پرماجرایی روزبه (سلمان فارسی)، نماد بارزی از حق‌جویی ایرانیان پیش از ورود اسلام به ایران است.^۳ به عقیدهٔ بسیاری از مورخان، اگر اسلام به ایران نمی‌آمد، مسیحیت ایران را فرا می‌گرفت.^۴ بنابراین حکومت ساسانیان از اسلام شکست نخورد. اگر اسلام هم نمی‌آمد، ساسانیان روند زوال و اضمحلال خود را می‌پیمودند. با همهٔ اینها، وقتی اسلام به ایران آمد، حتی مسیحیان هم به اسلام گرویدند.^۵ اسلام به تدریج در ایران فراگیر شد و از پیروان سایر مذاهب کاست. در طول تاریخ ایران، اسلام تنها دینی بود که توانست اکثریت قاطع جامعهٔ ایرانی را به پیروی از خود درآورد و سایر ادیان را تحت الشعاع قرار دهد.

ایران بعد از اسلام

یکی از بزرگ‌ترین حوادثی که در تاریخ ایران زمین روی داده است، اسلام آوردن مردم ایران بود. آنها مردمی با شعور و پاک‌اندیش بودند. به همین دلیل اسلام را انتخاب کردند. اصول مترقیانه و عدالت‌خواهانهٔ اسلام و طرد هرگونه برتری قومی، نژادی و طبقاتی، عامل تعیین‌کنندهٔ گرایش مردم ایران به اسلام محسوب می‌شود. انتظار مردم ایران، اجرای عدالت و جاری شدن احکام اسلام و سنت نبوی در کشورشان بود. اما بازگشت تدریجی فرهنگ جاهلیت در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس که به‌عنوان جانشین پیامبر (ص)، خلافت را غصب کرده بودند، مردم ایران را از آنها روی گردان کرد. خلفای جور، همان‌گونه که به ایرانیان ظلم می‌کردند، خاندان پیامبر اکرم (ص) و ائمهٔ معصومین (علیهم‌السلام) را نیز

۱. ن. ک: انجیل متی، باب دوم، آیهٔ ۱ و ۲.

۲. اساتیر، شمارهٔ ۱۴؛ تعالی، غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، صص ۶۲۹ و ۶۳۰؛ رسولی محلاتی، زندگانی حضرت خاتم‌النبین، صص ۴۱ و ۵۵.

۳. ن. ک: ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، صص ۱۳۸-۱۴۵؛ ابن‌عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة‌الاصحاب، ج ۲، ص ۵۸؛ ابن‌حجر عسقلانی، الأصباه فی الصحابه، ج ۲، ص ۶۲؛ شیخ صدوق، کمال‌الدین، اتمام‌النعمة، ص ۱۶۳؛ نوری طبرسی، نفس‌الرحمان فی فضایل سلمان، ص ۲۰.

۴. کریستین سن، همان، صص ۲۹۴، ۲۹۵، ۳۰۷، ۳۲۱، ۳۲۲؛ زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران، صص ۵۱۷-۵۲۰.

۵. آرنولد، تاریخ گسترش اسلام، صص ۵۲-۵۳ و ۸۰-۹۶.

مورد تعدی و ستم قرار می‌دادند. ایرانیان به دلیل مشی عدالت خواهانه امیر مؤمنان حضرت علی (ع) و فضایل و شایستگی‌هایی که در رفتار او و خاندانش موج می‌زد، گم‌شده خود را در دوستی با اهل بیت یافتند و به پیروی از آیین تشیع روی آوردند.

گسترش اسلام در ایران موجب تحولی شگرف و عمیق در زندگی و فرهنگ مردم شد. ایرانیان به دلیل داشتن پیشینه تمدن دوران باستان، در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش اساسی و مهمی ایفا کردند. در تمامی حوزه‌های علمی، دانشمندان بزرگی در ایران پس از اسلام ظهور کردند که بسیاری از آنها مانند محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و ابن‌سینا، شهرت جهانی دارند. علاوه بر آن، ایرانیان در عرصه سیاست، در انقراض حکومت ستمگر اموی نقش مهمی ایفا کردند. در قیام‌هایی که علیه حکومت عباسی شکل گرفت نیز مشارکت داشتند. بعد از حکومت جابرانه بنی‌امیه و در دوران خلفای بنی‌عباس، به تدریج خاندان‌های ایرانی طاهریان، صفاریان، سامانیان، آل‌بویه و آل‌زیار، به تشکیل حکومت مستقل دست زدند.

بیشتر بدانید

دوران سامانیان را باید یکی از نقاط عطف تاریخ فرهنگ و زبان فارسی بدانیم. در این دوران تلاش زیادی برای استقلال سیاسی ایرانیان از خلافت عباسی صورت گرفت که لازمه آن، احیای فرهنگ و زبان فارسی بود. در پرتو حمایت امیراسماعیل سامانی، نصر بن احمد سامانی و امیر منصور بن نوح سامانی، و وزیران دانشمندی چون ابوالفضل بلعمی و ابوعلی بلعمی، آثار زیادی در زمینه‌های ادبیات و علوم گوناگون به فارسی تألیف و ترجمه شد.^۱ علمای ماوراءالنهر برای ترجمه تفسیر (قرآن) طبری به زبان فارسی فتوا صادر کردند.^۲ در این دوران، شاعران نامداری چون رودکی توانستند، تحوّل بزرگی در شعر و ادبیات فارسی ایجاد کنند. در زمان سامانیان، هنگامی که فرهنگ پویای اسلام به زبان و فرهنگ فارسی درآمد، توسعه و گسترش شگرفی یافت و توانست فرهنگ ایرانی و اسلامی را به مناطق دیگر منتقل کند.^۳ به گفته مقام معظم رهبری، اسلام به زبان عربی وارد ایران شد، اما به زبان فارسی ترویج پیدا کرد و در طول قرن‌های متمادی، بیشترین معارف اسلامی و سخنان حکمت‌آمیز به وسیله ایرانیان فارسی‌زبان در میان ملت‌ها انتشار یافت.^۴

۱. ن. ک: بلعمی، تاریخ بلعمی، ص ۱.

۲. ترجمه تفسیر طبری، صص ۵ و ۶.

۳. صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، صص ۳۵۶-۳۶۱.

۴. روزنامه/اطلاعات، ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۸۶. همچنین ن. ک: www.khamenei-ir

با قدرت گرفتن آل بویه و تسلط آنان بر بغداد در سال ۳۳۴ ق، تعصبات کاهش یافت و زمینه آزادی بیان و مباحث علمی و فرهنگی پیروان مذاهب گوناگون اسلامی، اعم از شیعه و سنی، فراهم شد. شیعیان در این زمان مراسم عزاداری امام حسین (ع) را برگزار می‌کردند. در این مراسم، مردم ایران و دوستداران اهل بیت از مذاهب گوناگون اسلامی، در سوگ امام حسین (ع) اطعام می‌کردند.^۱

ایران از دوران غزنویان تا خوارزمشاهیان

غزنویان، به ویژه سلطان محمود غزنوی، لشکرکشی‌هایی گسترده و پیاپی به هند کردند که یکی از پیامدهای آنها، گسترش اسلام و زبان فارسی در هند بود. می‌دانیم که در این دوران حکیم ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ ایرانی به گردآوری و منظم کردن شاهنامه اقدام کرد.^۲ این اثر گران بها، برای شناخت و درک فرهنگ ایران باستان، از اهمیت خاصی برخوردار است. در دوران سلجوقیان، قلمرو ایران گسترش یافت. آل ارسلان در نبرد ملازگرد^۳ امپراتوری روم شرقی^۴ را به سختی شکست داد. پس از تصرف منطقه آسیای صغیر، زمینه برای گرایش مردم این منطقه به اسلام و گسترش زبان فارسی فراهم شد.^۵ در این دوران، تمدن و فرهنگ اسلامی ایرانی شکوفایی بیشتری یافت. اوج اقتدار سلجوقیان در زمان ملک شاه بود که توانست به کمک وزیر دانشمند خود، خواجه نظام الملک توسی، پایه‌های حکومتش را تحکیم بخشد. خواجه نظام الملک، نظامیه‌هایی را که مرکز تعلیم و تعلم بودند، پایه‌گذاری کرد که نظامیه‌های نیشابور و بغداد مشهورترین آنها هستند.

یکی از موضوعات مهم دوران خوارزمشاهیان، کشمکش بی‌دری آنها با خلفای عباسی بود. همین عامل، با ورود مغولان به ایران، زمینه را برای ضعف و زوال آنها فراهم ساخت.

هجوم مغول به ایران

یکی از دلایل حمله مغول به ایران، واقعه اترار بود که به کشته شدن بازرگانان اعزامی از سوی

۱. ابن اثیر، الكامل، ج ۲، ص ۲۶۱.

۲. فردوسی، شاهنامه را به مدت ۳۰ سال در حدود سال‌های ۳۷۱ تا ۴۰۲ به پایان رساند.

۳. منطقه‌ای در ترکیه امروز

۴. بیزانس

۵. پس از استقرار حاکمیت سلجوقیان در آسیای صغیر، شاخه‌ای از آنان که به سلجوقیان روم شهرت یافتند، در این منطقه حاکمیت

چنگیزخان انجامید. این حادثه بهانه‌ای برای حمله به ایران بود.^۱ لشکرکشی مغولان یکی از بزرگ‌ترین راهپیمایی‌های نظامی تاریخ به‌شمار می‌رود. حدود ۲۵۰ هزار نفر از قبایل مغول، در سرمای سخت از سرزمین مغولستان در شمال چین، به فرماندهی تموچین (چنگیزخان) به سوی ایران سرازیر شدند.^۲ هدف نخستین آنها شهر اُترار بود، اما پس از قتل عام اهالی این شهر و دستگیری عاملان قتل بازرگانان، به سوی شهر بخارا و سایر ایالت‌های ایران پیشروی کردند.^۳ حمله مغول همچون طوفانی سهمگین، نه تنها طومار حکومت خوارزمشاهی را در هم پیچید، بلکه بیشتر شهرهای ایران را ویران و مظاهر تمدن باشکوه دوران اسلامی را نابود کرد. دامنه این تندباد، علاوه بر ایران، بخش‌های زیادی از جهان اسلام را نیز درنوردید.^۴



مقبره الجایتو، سلطانیه

۱. ابن اثیر، همان، ج ۲۲، صص ۱۳۲-۱۳۸؛ جوینی، تاریخ جهانگشای، ج ۱ صص ۶۰-۶۶.
۲. گروسه، امپراتوری صحرائنوردان، صص ۳۹۲-۴۰۲.
۳. جوینی، همان، ج ۱، صص ۶۰-۱۴؛ گروسه، همان، صص ۳۹۲-۴۰۲.
۴. همدانی، جامع التواریخ، ج ۲، صص ۶۸۴-۷۳۶؛ جوینی، همان ص ۸۹ به بعد.

پس از مرگ چنگیزخان، حدود یک قرن حکومت ایلخانان بر ایران تحمیل شد.^۱ اگرچه مغولان در عرصه نظامی گری بر ایران پیروز شدند، اما در عرصه فرهنگ و تمدن مغلوب ایران شدند. پویایی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، قوم مهاجم را در خود حل کرد. مغولان به تدریج دست از تندخویی کشیدند و اعتقادات خرافی خود را کنار گذاشتند. غازان خان، علاوه بر پذیرش آیین اسلام، تابعیت از خان بزرگ مغول را نیز کنار گذاشت و استقلال حکومت ایلخانی را کامل کرد. در این دوران، بزرگانی چون خواجه شمس الدین صاحب دیوان، خواجه نصیرالدین توسی، عظاملک جوینی، رشیدالدین فضل الله همدانی، مصلح الدین سعدی شیرازی و مولوی بلخی، با فعالیت های سیاسی، علمی و ادبی خود، علاوه بر مهارخوی ویرانگر مغولان، چراغ تمدن و فرهنگ ایران و اسلام را فروخته نگه داشتند.

با آنکه مغولان در آغاز ویرانی های بسیاری به همراه آوردند، ولی بر اثر آشنایی با فرهنگ ایران و اسلام، از طریق آنان فرهنگ، هنر و تمدن ایران و اسلام رواج یافت. پس از پایان حکومت ایلخانان، حکومت های ملوک الطوائفی و محلی متعددی چون تیموریان، آل جلائر، آل مظفر، سرداران و آل کرت، اتابکان، قراقویونلوها و آق قویونلوها طی قرن های هشتم و نهم قمری بر ایران حکومت کردند، اما هیچ کدام نتوانستند یکپارچگی ایران را حفظ کنند. سرانجام در سال ۹۰۷ق، حکومت صفوی توانست پس از



میدان تاریخی امیر چخماق در مرکز شهر یزد

۱. باسورث، تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ج ۵، صص ۳۲۱-۳۲۶.

نه قرن، با محور قرار دادن مذهب تشیع و ملیت ایرانی، سرزمین تجزیه شده ایران را متحد و یکپارچه سازد و هویت ملی و استقلال آن را همچون گذشته احیا کند.

ایران در عصر صفویه

صفویان حکومتی تشکیل دادند که بیش از دو سده دوام یافت. در پرتو این حکومت مقتدر، علاوه بر برقراری امنیت و رونق اقتصادی، پیشرفت بازرگانی و کشاورزی و صنعت، تشکیل ارتش منظم و سیاست خارجی مقتدرانه، آنها توانستند فرهنگ و تمدن ایران و اسلام را بار دیگر شکوفا کنند. هنر و معماری در این دوره نیز از نظر کمی و کیفی توسعه و تحول یافت. اصفهان، پایتخت صفویان، دارای مجموعه‌ای از معماری عصر صفوی است که نشان می‌دهد، معماری ایرانی



مسجد امام از آثار دوره صفوی در اصفهان

اسلامی به روزگار طلایی خود رسیده است.^۱ این شهر در عصر شاه عباس اول یکی از بزرگ‌ترین و آبادترین شهرهای جهان بود، به طوری که شاردن، جهانگرد فرانسوی، آن را بزرگ‌تر و پررونق‌تر از پاریس توصیف کرده است.^۲ در عصر صفویه، دانشمندان و فلاسفه‌ای چون میرداماد، شیخ بهایی، ملاصدرا شیرازی، میرفندرسکی و علامه مجلسی با نگرش آثار ارزشمند و طرح اندیشه‌های نو، زمینه‌های رشد و شکوفایی رشته‌های علوم اسلامی مانند حدیث، فقه و فلسفه را فراهم آوردند.^۳ همچنین، هنرمندانی چون کمال الدین بهزاد، علی رضا عباسی و رضا عباسی در زمینه خط و نقاشی، آثار گران قدری پدید آوردند.^۴

صفویه در عصر شاه عباس بزرگ به اوج اقتدار رسید.^۵ پس از مرگ وی، اختلاف‌های درون خاندان صفوی و سران طایفه‌ها، موجب تضعیف روزافزون این سلسله شد. با به سلطنت رسیدن شاه سلیمان، سلسله صفویه به سرعت وارد دوره‌ای از زوال شد، تا آنکه عاقبت با تحریک و حمایت پادشاه گورکانی هند، افغانان غلجایی قندهار شورش کردند و پس از محاصره طولانی اصفهان، شاه سلطان حسین، پادشاه بی‌کفایت صفویه را به تسلیم واداشتند و به حیات این دولت پایان دادند.^۶ در فاصله زوال صفویان تا پیدایش سردار قدرتمندی چون نادر، ایران دچار بی‌نظمی و ناامنی بود و مدعیان حکومت در گوشه و کنار کشور، برای کسب قدرت باهم در ستیز بودند. نادرشاه افشار توانست افغان‌های شورش‌گر را سرکوب کند و با شکست عثمانی‌ها و تصرف هند، بر اقتدار ایران بیفزاید.^۷ نادرشاه به اتکای پشتکار، سخت‌کوشی و شجاعت خود توانست غرور ملی جریحه‌دار شده ایرانیان را ترمیم و عظمت دوران سلسله صفوی را تجدید کند. با کشته شدن نادرشاه در سال ۱۱۵۹ ق به دست سرداران سپاهش، بار دیگر ایران دچار ضعف و اختلاف شد.

فرمانروایی کریم خان زند، پس از یک دوره کشمکش از سال ۱۱۶۵ ق آغاز شد. او شیراز را به پایتختی خود انتخاب کرد و هیچ‌گاه خود را پادشاه نخواند و لقب وکیل‌الرعا یا را برگزید. کریم خان زند

۱. سیوری، *ایران عصر صفوی*، صص ۱۱۰-۱۱۲؛ زکی، *هنر ایران*، صص ۳۷-۴۴.

۲. کبانی، *پایتخت‌های ایران*، صص ۵۷۱-۶۰۱.

۳. کرین، *تاریخ فلسفه اسلامی*، صص ۴۷۶-۴۸۶.

۴. ن. ک: کن‌بای، *نقاشی ایرانی*، صص ۹۷-۱۰۳.

۵. سیوری، همان، ص ۶۶.

۶. ن. ک: لاکهارت، *انقراض سلسله صفویه*، صص ۱۰۰-۱۵۴.

۷. جونس، *زندگی نادرشاه*، ص ۹۰ به بعد.



مجسمه و آرامگاه نادرشاه افشار در مشهد مقدس

توانست با شیوه حکومت داری توأم با ملاحظت، عدالت و رفاه نسبی، نام نیکی از خود بر جای بگذارد.^۱ وی تلاش کرد روابط خارجی ایران را که به دلیل هرج و مرج و نبود امنیت دچار اختلال شده بود، سامان بخشد، همچنین در برابر گسترش فعالیت‌های بازرگانی انگلستان در ایران ایستادگی کرد^۲ و از منافع نامشروع و استعماری این دولت جلوگیری به عمل آورد.

۱. ن.ک: آصف، رسم/تواریخ، صص ۳۲۱ و ۳۲۲؛ گلستانه، مجمل‌التواریخ، پس از نادر، ص ۱۷۲؛ نوایی، ایران و جهان از

مغول تا قاجار، ج ۱، ص ۴۲؛ نامی اصفهانی، گیتی‌گشا در تاریخ زنده، ص ۲۸.

۲. نوایی، همان، ج ۱، صص ۵۹۳-۵۹۸.

بیشتر بدانید

کریم خان زند دربارهٔ سیاست‌های استعماری انگلستان به کارگزاران خود گفته است: این فرنگیان همچنان که هندوستان را به مکر و خدعه و تزویر و نیرنگ مسخر کردند، می‌خواهند ایران را نیز مالک و متصرف شوند. اگر فکر می‌نمایید که فرنگی صاحب حسن سلوک است، بدانید چنانچه بر ایران غالب و مسلط گردد شما صاحب مناصب عالی‌ه نخواهید بود، آنان همهٔ شما را می‌کشند و احدی از شما را زنده نخواهند گذاشت... اگر العیاذبالله فرنگی ایران را مالک شود برای اینکه خاطرش کاملاً جمع شود اسلام را برمی‌اندازد و بزرگان ایران را خوار و ذلیل می‌سازد.^۱

کریم خان بدون اینکه جانشینی برای خود تعیین کند، درگذشت. پس از مرگ او، کشمکش بر سر تصاحب قدرت، در میان جانشینان او ادامه یافت. این وضعیت موجب بهره‌برداری رقیب آنها یعنی ایل قاجار شد که مدت‌ها در انتظار حکمرانی به سر می‌بردند.^۲ سرانجام طومار حکومت لطفعلی خان، آخرین فرمانروای خاندان زند، توسط آقا محمدخان قاجار در هم پیچیده شد.^۳

اندیشه و جست و جو

۱. در مورد یکی از شهرهای باستانی ایران که در سال‌های اخیر اکتشافات باستان‌شناسی در آن انجام شده است، مقاله‌ای تهیه کنید.
۲. دربارهٔ یکی از آثار باستانی مربوط به دوران باستان در استان خود، مطلبی تهیه کنید.
۳. دربارهٔ خصوصیات معنوی و یکتاپرستی ایرانیان پیش از اسلام مقاله‌ای تهیه کنید.
۴. در مورد خدمات ایرانیان و سهم آنان در تمدن جهان، مطلبی برای روزنامه دیواری مدرسهٔ خود بنویسید.

۱. آصف، همان صص ۳۹۸ و ۳۹۹.

۲. حسینی فسایی، *فارس‌نامهٔ ناصری*، ج ۱، صص ۶۱۷-۶۵۹.

۳. ن. ک: شمیم، *ایران در دورهٔ سلطنت قاجار*، ص ۳۲ به بعد.